

کومه له

مدافع پیگیر حکومت شورایی در کردستان

تجربه سراسر جهان به خوبی ثابت کرده است که دموکراسی پارلمانی در پس ظاهر ریاکارانه اش همواره ابزار دور ننگه داشتن عملی کارگران و توده های مردم از دخالت در سرنوشت خویش بوده است. ماهیت حقیقی پارلمانتاریسم بورژوازی نه تنها در رژیم های سلطنت مشروطه پارلمانی، نه تنها در رژیم جمهوری اسلامی، بلکه در دموکراتیک ترین جمهوری ها هم این است که در هر چند سال یکبار تصمیم گرفته میشود کدامیک از اعضای طبقه حاکمه در پارلمان مردم را سرکوب و لگدمال کند. در مقابل نظام پارلمانی، نظام شورائی بهترین و در دسترس ترین وسیله دخالت کلیه آحاد طبقه کارگر و توده های مردم هم به مثابه قانونگذار و هم به عنوان مجری قانون و اداره و مدیریت جامعه می باشد. در شرایطی که پیشرفتهای تکنولوژیک و گسترش شبکه های اجتماعی بیش از هر زمان دیگری ارتباطات را توسعه داده و امکان دسترسی به اطلاعات را در همه زمینه ها برای همگان فراهم کرده است، نظام شورائی کار دخالت مستقیم کارگران و توده های مردم را در اداره امور جامعه بیش از پیش تسهیل کرده است. این نظام می تواند از برقراری یک سیستم بوروکراتیک که مجدداً بر فراز انقلاب و مردم بپاخواسته قرار گیرد و آنها را تبدیل به تماشاچیان ناتوان صحنه سیاست کند، جلوگیری نماید.

کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان لازم است از هم اکنون به فکر پایه ریزی حاکمیت شورائی خودشان باشند. کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان ضروری است در فکر پایه ریزی دولتی باشند که هر زن و مرد کارگر ساده، و هر انسان زحمتکشی بتواند اهرمهای قدرت آن را در دست بگیرند و مستقیماً در حیات سیاسی و اداره و مدیریت جامعه نقش ایفا کنند.



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد انشعاب جناح راست از حزب کمونیست ایران و کومه له



اطلاعیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد تعیین کمیته رهبری کومه له

ضرورت پیوند مبارزات معلمان با دیگر بخش های جنبش کارگری



هاشین قتل و کشتار جمهوری اسلامی را باید از کار انداخت!



تشدید رقابت قدرت های امپریالیستی



را به تأیید شورای نمایندگان سراسری مردم کردستان برساند تا آن را به مورد اجرا بگذارند. کلیه حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی، حق تعیین سرنوشت مردم کردستان و تأمین شرایط لازم برای استفاده آگاهانه از این حق، مطالبات رفاهی و فرهنگی، حقوق و مطالبات زنان در زمینه برابری کامل با مردان، حقوق کودکان، اقدامات در زمینه حفاظت از محیط زیست، بعلاوه مفاد یک قانون کار انقلابی و دموکراتیک در کردستان آزاد شده به مورد اجرا گذاشته خواهند شد.

به کومه له ایراد می گیرند که در برنامه حاکمیت شورایی مردم در کردستان حق احزاب سیاسی برای حضور و ایفای نقش در قدرت سیاسی در نظر گرفته نشده است. ما بار دیگر اعلام می کنیم که در برنامه حکومت شورایی به دموکراتیک ترین شیوه حق احزاب و نیروهای سیاسی برای حضور در قدرت سیاسی ملحوظ شده است. در برنامه حکمت شورایی مردم در کردستان

بر می بندند. از آنجا که حکومت شورایی حق آزادانه عزل انتخاب شوندهگان را در هر زمانی به مردم می دهد، تا زمانی که این مکانیسم عمل کند فساد ناپذیر است. بدین طریق فساد اداری که بیماری مزمن حکومت های بورژوازی است بدلیل اینکه مجرای برای دخالت مستقیم مردم در اداره جامعه در آنها عمل نمی کند برای همیشه رخت بر می بندد. در حکومت شورایی کلیه مقامات اداری و سیاسی و قضایی توسط مردم انتخاب میشوند و هر گاه اکثریت انتخاب کنندگان اراده کنند، در هر زمانی قابل عزل هستند. مسئولین در بالاترین رده حکومت شورایی بعنوان خدمتگذار مردم عمل کرده و حقوقی معادل حقوق یک کارگر ماهر دریافت می کنند. بدین ترتیب مردمی که در نظام شورایی متشکل می شوند خود هم قانون گذار و هم مجری قانون می شوند. آنچه در برنامه کومه له بر آن تاکید می شود حاکمیت شورایی است که در رأس آن کنگره سراسری نمایندگان شوراها و در باطن آن سطح آن

البته نیروها و جریان های بورژوازی مدام به کارگران و زحمتکشان و مردم عادی تلقین می کنند که آنان قادر به اداره و مدیریت جامعه نیستند. این نیروهای دأما در مدرسه، در مسجد، در مطبوعات و در رادیو و تلویزیون به کارگران و زحمتکشان القا می کنند که وظیفه مدیریت و اداره جامعه باید بر عهده کارشناسان، مدیران، نخبگان کشوری، اعضای پارلمان و سرمایه داران گذاشته شود. نیروهای بورژوازی مدام به کارگران و مردم زحمتکش می گویند نقش شما تابعیت و دستوریذیری از بالاست و بدین طریق می خواهند اعتماد بنفس و قابلیت کارگران و مردم زحمتکش برای اداره جامعه را در هم بشکنند. در برابر تمام این نیروها، کومه له و همه کمونیست ها با قاطعیت اعلام می کنند که کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان به بهترین شکل قادر به اداره و مدیریت جامعه هستند. برنامه کومه له برای حاکمیت شورایی مردم در کردستان می خواهد امکان پذیری پایه ریزی همچون حاکمیتی را، حاکمیت شورایی را به مردم نشان دهد و آن را به آگاهی عمومی مردم کردستان تبدیل کند تا کمتر از آن را پیروزی ندانند و به کمتر از آن تن ندهند. برنامه کومه له برای حاکمیت شورایی مردم در کردستان می خواهد به مردم بگوید که امر حاکمیت در کردستان آزاد شده حق بی چون و چرای کارگران و مردم ستمدیده کردستان است و کومه له حاضر نیست از بالای سر مردم با هیچ حزب و گروهی بر سر تقسیم قدرت در آینده وارد مذاکره و گفتگو شود.



مکانیسم حضور احزاب در قدرت سیاسی از پائین و از طریق مشارکت در انتخابات شوراها انجام می گیرد. کادرها، اعضا و هواداران احزاب سیاسی می توانند در سطوح مختلف انتخابات شوراها مشارکت نمایند. هر حزب سیاسی از طریق مکانیسم حکومت شورایی به نسبت نفوذی که در جامعه دارد در سطوح مختلف حکومت شورایی و مدیریت جامعه سهم می شود و از طریق مکانیسم تصمیم گیری در شوراها می تواند پیشنهاد، حرف و سیاست خود را به تأیید شوراها برساند.

شوراها محلی شهر و روستا قرار دارند و از طریق سیستم شورایی مستقیماً بعنوان عضوی از دولت در امر حاکمیت نقش فعال دارند و از طریق نمایندگان خود در سطوح مختلف، کنگره های ناحیه ای، ایالتی، محلی و سراسری در همه عرصه های فعالیت اجتماعی دخالت می کنند. نیروی مسلح محلی تحت فرماندهی کنگره سراسری شوراها امور مربوط به دفاع از دستاوردهای مردم کردستان را در مقابل تعرض دولت مرکزی و یا هر نیروی دیگری بر عهده خواهد داشت.

کومه له از هم اکنون برنامه سیاسی خود برای حاکمیت شورایی مردم در کردستان را ارائه داده است و تلاش می کند در موقع خود آن

برنامه کومه له برای حاکمیت شورایی در کردستان می خواهد نشان دهد که با در هم پیچیدن بساط حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان، مردم کردستان که اکثریت آن را کارگران و زحمتکشان، زنان ستمدیده و مردم فقیر و محروم جامعه تشکیل می دهند، می توانند و قادر هستند قدرت را در دست بگیرند. می خواهد نشان دهد این ساختار شورایی است که امکان شرکت و دخالت وسیعترین توده ها را در امر حاکمیت و مدیریت جامعه فراهم می آورد. در حکومت شورایی، همه افراد جامعه عضوی از دولت محسوب می شوند و در سازمان دولت جای دارند. در حاکمیت مردم مبتنی بر شوراها که برنامه کومه له بر آن تأکید دارد، مردم در شوراها محلی متشکل هستند و قدرت واقعی را در دست دارند و هر زمان که اراده کنند می توانند نمایندگان خود را فرا بخوانند و بر کنار کنند و بدین شیوه همه تشریفات و محدودیت های بوروکراتیک از انتخابات رخت



بیانیه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

در مورد انشعاب جناح راست از حزب کمونیست ایران و کومه له

کردستان عراق را جمع کنیم، اتهام کودتا علیه دبیر اول کومه له را مطرح کردند و با این نوع کمپین و گرد و خاکی که به پا کردند، فضای سیاسی درون تشکیلات را مسموم کرده تا اهداف تشکیلاتی خود را پیش ببرند. این جار و جنجال تبلیغاتی در حالی بود که خودشان در عمل از مبانی برنامه‌ای و استراتژیک حزب کمونیست ایران و کومه له فاصله گرفته بودند و سیاست‌ها و مواضعی اتخاذ می‌کردند که با مبانی سیاست‌ها و تاکتیک‌های حزب و کومه له خوانایی نداشت. علیرغم اینکه این رفقا روش مبارزه سیاسی خود را چگونه توجیه می‌کردند، روشن بود که بعضی از اعضای رهبری این جناح با موجودیت حزب کمونیست ایران و فعالیت سراسری مخالف بوده و خواهان انحلال آن بودند و ثانیاً با بسیاری از مسائل برنامه‌ای و استراتژیک حزب از جمله امکان‌پذیری انقلاب کارگری و تحقق سوسیالیسم در یک کشور، حاکمیت شورایی در کردستان، شیوه برخورد به احزاب بورژوایی و ناسیونالیست، تلاش برای شکل دادن به یک قطب چپ و سوسیالیستی در سطح سراسری و در کردستان، سبک کار کمونیستی و دموکراسی درون تشکیلاتی اختلاف جدی دارند.

در کادر رهبری و بدنه جناح راست وجود یک گرایش که تلاش برای انحلال حزب کمونیست و ادغام آن در کومه له را در محور فعالیت خود قرار داده است انکار ناپذیر است. این در حالی است که آن شرایط اجتماعی و سیاسی که ۳۸ سال پیش ضرورت تشکیل حزب کمونیست ایران را ایجاد کردند نه تنها به قوت خود باقی هستند، بلکه تشدید هم شده‌اند. طی این مدت جمعیت ایران دو برابر شده است، جمعیت خانواده‌های کارگری به بیش از ۴۵ میلیون نفر افزایش پیدا کرده است. شمار کارگران صنعتی پنج برابر شده است، مسائل اجتماعی جدیدی پا به عرصه وجود گذاشته‌اند، تحولات عظیمی در آگاهی کارگران و توده‌ها ایجاد شده است، شهرنشینی گسترش ←

تخاصم دائمی و وقفه ناپذیر، گاه پنهان و گاه آشکار و در حرکت و پویایی قرار دارند. بر متن تضاد و کشمکش طبقات جنبش‌های اجتماعی و سیاسی با اهداف متفاوت بر پا می‌شوند. احزاب سیاسی که بر بستر این جنبش‌های سیاسی و اجتماعی شکل می‌گیرند نقش عمده‌ای در تعارض دو طبقه اصلی جامعه و تکامل این مبارزه ایفا می‌کنند و خود نیز به ناگزیر این جدال‌ها را در اشکال مختلف نظری، سیاسی و سبک کاری در درون خود منعکس می‌کنند. بافت و موقعیت اجتماعی خاصی که احزاب سیاسی پیدا می‌کنند، بیانگر مراحل تکامل مبارزه همین طبقات اجتماعی است. بنابراین تمام مسئله بر سر این است که جریان کمونیستی چگونه از درون مجادلات سیاسی و کشمکشی که تا حدود زیادی بازتاب جدال‌های واقعی درون این جامعه است، منافع حرکت تاریخی طبقه کارگر را نمایندگی می‌کند و سالم، متحد و فعال بیرون می‌آید.

با این درک از ریشه و جایگاه اختلاف نظر سیاسی در درون حزب و جهت‌گیری‌ها بود که در سال‌های اخیر مدام رفقای رهبری حزب، جناح مقابل را که با برخی از مبانی فکری و خط رسمی حزب اختلاف داشتند و به مناسبت‌های مختلف این اختلافات را در درون تشکیلات مطرح کرده و به اجرا در آورده بودند، را ترغیب می‌کردیم تا دیدگاه‌های خود را در سطح علنی هم به معرض قضاوت بگذارند. متأسفانه این رفقا بجای روشن کردن جنبه‌های سیاسی، فکری و برنامه‌ای اختلافات خود با حزب، و به معرض قضاوت قرار دادن آن در سطح علنی و پاسخ دادن به اتهامات و سئوالات پیرامون آن روش‌های دیگری در پیش گرفتند. آنها در مقابل، طی کمپین‌هایی که در بخش‌های مختلف تشکیلات براه انداختند مدافعان پیگیر برنامه و استراتژی و مبانی فکری حزب و کومه له را به جریان‌های سیاسی بیرون از حزب منتسب کردند، ما را متهم کردند که می‌خواهیم کومه له را تضعیف و اردوگاه آن در

اختلافات سیاسی و تشکیلاتی و بحرانی که از چند سال پیش بخش‌های مختلف تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه له را عملاً به دو قطب و جناح متمایز از هم تقسیم کرده بود، اکنون و با تصمیم و اقدام عملی رهبری جناح راست برای برگزاری کنگره جناحی کومه له به آخرین مرحله خود رسیده است. کمیته مرکزی کنونی کومه له با برگزاری کنگره جناحی و با ممانعت از شرکت کلیه اعضایی که به جناح چپ تشکیلات تعلق دارند در پروسه انتخابات این کنگره به بهانه‌های واهی درست کردن تشکیلات موازی، عملاً انشعاب و جدائی خود از حزب کمونیست ایران و از کومه له به عنوان سازمان کردستان این حزب و از سنت‌های پیشرو و انقلابی تاکنونی این جریان را اعلام و عملی کرده است.

کمیته مرکزی حزب با اعتقاد به اینکه جریان ما ابزار مبارزه کارگران و مردم زحمتکش و ستمدیده است، آنها حق دارند در سرنوشت آن دخیل باشند و در جریان مسائل و مشکلات آن قرار بگیرند، طی چند سال گذشته در مقاطع مختلف و علیرغم کارشکنی‌های جناح راست تلاش کرد از طریق رسانه‌های حزبی افکار عمومی و بویژه فعالین جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی را در جریان ماهیت واقعی اختلافات و سیمای سیاسی بحران درون حزب قرار دهد.

وجود اختلاف نظر سیاسی در حزب کمونیست ایران و کومه له که با رشته‌های مختلف به جامعه مربوط هستند و بویژه در کردستان از یک موقعیت اجتماعی برخوردارند، همواره بخشی از موجودیت این جریان بوده است. وجود اختلاف نظر سیاسی و پیچیدگی‌های آن از این حقیقت ساده سرچشمه می‌گیرد که جامعه به طبقات متضاد، با جنبش‌های اجتماعی و گرایش‌های فکری و سیاسی و سنت‌های مختلف تقسیم شده است. طبقات در جامعه سرمایه‌داری در حالت تعارض و

محلات و شهرها را در دست می گیرند. نباید در این باره تردیدی بخود راه داد که احزاب ناسیونالیست در مقابل این روند خواهند ایستاد و از هم اکنون برای کنترل خیزش توده های مردم و عقیم گذاشتن آن نقشه می ریزند. سرمایه داران و احزاب بورژوایی در هیچ کجای دنیا حکومت را دو دستی تحویل مردم نداده اند تا در کردستان ایران احزاب ناسیونالیست در توافق با "کومه له" حکومت را به توده ها تحویل بدهند. در جریان بحران های سیاسی و انقلابی همیشه مسئله حاکمیت یکی از مسائل مورد کشمکش حاد طبقات بالا و احزاب سیاسی متعلق به آنان با کارگران و توده های محروم و تحت ستم بوده است. این باورها که در تجربه تاریخی بارها به اثبات رسیده اند یکی از پایه های استراتژی سوسیالیستی کومه له در جنبش انقلابی کردستان است. مسئله این است همانطور که احزاب ناسیونالیست با قاطعیت به دنبال استراتژی خودشان هستند و کنترل قیام مردم، انتقال قدرت به احزاب، تشکیل ارتش ملی و تدارک تشکیل پارلمان و ربودن قدرت از دست مردم را در دستور کار خود قرار داده اند، کومه له هم باید با روشن بینی و قاطعیت از هم اکنون در پی تبدیل کردن گفتمان حاکمیت شورائی به یک گفتمان نیرومند در جامعه کردستان، به راه انداختن یک جنبش شورایی در شهرها و روستاهای کردستان بر بستر رشد اعتراضات توده ای و تسلیح توده ای در فردای قیام پیروزمند مردم باشد. همانطور که احزاب ناسیونالیست از استراتژی تصرف قدرت سیاسی متکی بر یک سیستم پارلمانی و تشکیل ارتش میهنی و تکرار تجربه کردستان عراق در ایران کوتاه نمی آیند، کومه له هم نباید با دامن زدن به خوش باوری در زمینه توافق با احزاب ناسیونالیست بر سر پروسه واگذاری حق حاکمیت به مردم، استراتژی حاکمیت شورایی و تسلیح توده ای متشکل در شوراها را به حاشیه براند و عملاً به دنباله رو پروژه های احزاب بورژوایی در کردستان تبدیل گردد.

یکی دیگر از محورهای مورد اختلاف در درون تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه له اختلاف بر سر امکان پذیری تحقق سوسیالیسم در یک کشور بوده است. از اعضای رهبری جناح راست بارها اندر باب تر "تحقق سوسیالیسم در یک کشور امکان پذیر نیست" سخن گفته اند. در حالی که برای حزب ما که بر استراتژی انقلاب کارگری و حکومت شورائی کارگران تأکید می کند باید روشن باشد، وقتی طبقه کارگر انقلاب کرد و قدرت سیاسی را در دست گرفت راهی جز این در

ستم کردستان، کومه له در چهارچوب حزب کمونیست ایران بهتر می تواند استراتژی و برنامه خود برای حل مسئله ملی را پیگیری کند. حزب کمونیست ایران مستقل از ارزیابی گذشته آن و مستقل از مسائل و کشمکش های درونی امروزی آن، بخاطر واقعیت های فوق، وجودش ضروری است. اما رهبری جناح راست که کلیه اقداماتشان طی چهار سال گذشته در مسیر و در راستای انحلال حزب کمونیست ایران بوده است، اکنون فقط از موضعی تاکتیکی و اپورتونیستی و از زاویه حفظ نیرو در دل کشمکش های درونی حزب و کومه له خود را طرفدار بقای حزب کمونیست ایران جلوه می دهند.

یکی دیگر از محورهای مورد اختلاف با رفقای جناح مقابل، مسئله حاکمیت شورایی در کردستان و شیوه برخورد به احزاب بورژوایی و ناسیونالیست در کردستان است. در حالی که بر اساس سند استراتژی کومه له در کردستان یکی از پیش شرط های تحقق حاکمیت شورائی مردم در کردستان عقیم گذاشتن تلاش های احزاب بورژوایی در کردستان برای جایگزین کردن نهادهای حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی با ارگانهای فوق مردمی بورژوازی محلی است، رهبری جناح مقابل به دستیابی به توافق با احزاب ناسیونالیست آنهم در جزئیات بر سر پروسه واگذار کردن حاکمیت به مردم تأکید می کنند. در حالی که تجربه تاریخی بارها و بارها نشان داده است که حاکمیت مردم و به زعم ما حاکمیت شورائی مردم در کردستان فقط و فقط می تواند محصول یک جنبش توده ای از پایین باشد. یعنی همان جنبش و خیزش توده ای در شهرهای کردستان که جلوه ای از آن را در خیزش آبان در بسیاری از شهرهای کردستان شاهد بودیم می تواند موجبات سقوط و از هم پاشیدن نیروها و پایه های حاکمیت جمهوری اسلامی در کردستان را فراهم آورد و به اشغالگری آن در کردستان پایان دهد. فقط چنین جنبشی برخاسته از اعماق جامعه قادر خواهد شد در دل خود نهادها و ارگانهای حاکمیت توده ای را در شهرها و روستاهای کردستان برپا کند و با سازمان دادن یک ساختار قدرت سیاسی برای اداره و مدیریت جامعه پیروزی خود را قطعیت بخشد. در دوره بحران های سیاسی و انقلابی وقتی که توده ها به حرکت در می آیند و نهادها و ارگانهای سیستم حاکم را به زیر می کشند، به اهرمهای در دسترس اعمال قدرت سیاسی دست می برند و هر خلاء در سیستم اداری جامعه را با برپایی نهادها و ارگانهای حاکمیت توده ای پر می کنند و اداره

یافته و این مجموعه تحولات سیاسی و اجتماعی ما را در وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به سالهای اول فعالیت حزب کمونیست قرار داده است. این رفقا که خواهان ادغام تشکیلات حزب در کومه له و در عمل انحلال حزب کمونیست ایران هستند در واقع از شناخت اوضاع جدید و وظایف عظیمی که در این دوره بر دوش ما قرار گرفته است عاجز هستند. در حالی که اگر کسی افق و دورنمای روشنی از پیشروی جنبش کارگری و سوسیالیستی داشته باشد، آنگاه قطعاً به تشکیلاتی چون حزب کمونیست ایران برای ادای سهم در تحقق این چشم انداز نیاز خواهد داشت. انحلال حزب کمونیست ایران آشکارا در خدمت تضعیف جنبش کارگری و کمونیستی ایران است. در عرصه کردستان و از زاویه مبارزه و زندگی مردم کردستان نیز وجود حزب کمونیست ایران و فعالیت در این قالب حیاتی است. در عصری که ناسیونالیسم به کمک همه ذخایر فرهنگی و سیاسی و برنامه ای خود به تفرقه در میان صفوف کارگران متعلق به ملیتهای مختلف دامن می زند و ما هر روزه شاهد فجایعی هستیم که تحت برنامه ها و خط مشی های سیاسی ناسیونالیستی در نقاط مختلف دنیا روی می دهد، در این جا در کردستان نیز اتکا به یک حزب و سازمان سراسری و کمونیستی به طور موثرتری به تقویت همبستگی طبقاتی کارگران کرد و غیر کرد کمک می کند و از زاویه مصالح طبقاتی حال و آینده کارگران کرد و غیر کرد نیز ادامه فعالیت تحت نام حزب کمونیست ایران ضروری است. ما از این سنگر بهتر می توانیم همبستگی انقلابی مردم کردستان با جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی و پیشرو اجتماعی در سطح سراسری برای سرنگونی جمهوری اسلامی را تقویت کنیم. فعالیت در چهار چوب حزب کمونیست ایران و حضور در جبهه مبارزه کارگران و جنبش های پیشرو اجتماعی بر علیه جمهوری اسلامی ما را در موقعیت بسیار بهتری برای خنثی کردن پروژه های بورژوازی ایران که بر علیه جنبش رفع ستم ملی در جریان است قرار می دهد. اگر تحرک احزاب و نیروهای بورژوایی کردستان در همراهی با دیگر بخش های اپوزیسیون بورژوازی ایران برای شکل دادن به آترناتیو حکومتی و همزمان کوبیدن بر طبل مذاکره با رژیم اسلامی برای به بیراهه کشیدن مبارزات مردم کردستان که این روزها در جریان است، را در نظر بیاوریم اهمیت کار در این عرصه را بهتر در می یابیم. و بالاخره از لحاظ ضرورت حل مسئله ملی کرد به شیوه اصولی و مفید به حال کارگران و زحمتکشان و مردم تحت

پیش رو ندارد که باید برای متحول کردن اقتصاد جامعه در جهت اهداف خودش برنامه ریزی کند. روشن است که حکومت کارگران با صدور چند فرمان نمی تواند سوسیالیسم را جانشین سرمایه داری کند. اما حکومت شورائی کارگران می تواند امکانات دولتی و اجتماعی را به کار بگیرد تا با برنامه ریزی دقیق اقتصاد در جهت نظام اشتراکی و سوسیالیستی راه رسیدن به اهدافش را کوتاه و تسریع کند. برای حکومت کارگران بدیهی است که سوسیالیستی کردن تولید در جامعه صنعتی مانند ایران می تواند در شاخه هایی از صنایع کلیدی شروع شود که کمترین مشکلات و موانع را سر راه داشته باشد. هر چه سوسیالیستی کردن تولید در شاخه های مختلف دستاورد و محاسن خود را در جهت پاسخگویی به نیاز انسان ها آشکارتر کند و آزادی واقعی انسان ها ریشه دارتر شود، دولت خود مدیریتی تولید کنندگان هم جسورانه تر در راه پیشرفت سوسیالیسم گام بر خواهد داشت.

از طرف دیگر در حالی که تلاش برای ایجاد قطب چپ و کمونیستی در ایران و در کردستان بخشی از استراتژی و سیاست رسمی حزب کمونیست ایران و جهت گیری پلنوم های کمیته مرکزی های حزب و کومه له بوده است، اما رهبری جناح راست به اشکال مختلف در برابر این تلاش ها کارشکنی کرده اند. مخالفت کردن با سیاست شکل دادن به بلوک چپ و کمونیستی در کردستان به معنای ندیدن واقعیات جامعه کردستان است. جامعه کردستان هم یک جامعه طبقاتی است، در این جامعه نیز بر متن کشمش و جدال و رویارویی طبقات، جنبش ها، گرایشات و سنت های مختلف سیاسی به عنوان واقعیات عینی و غیر قابل انکار وجود دارند که هر کدام از این سنت ها و گرایشات سیاسی اجتماعی و جا افتاده، خود بستر شکل گیری احزاب و جریان های مختلف سیاسی را به وجود آورده است. گرایش اسلام سیاسی، جنبش و سنت ناسیونالیستی و جنبش سوسیالیستی، هر کدام بخشی از واقعیت عینی جامعه کردستان را تشکیل می دهند. در کردستان بر بستر گرایش ناسیونالیستی به عنوان یک گرایش اجتماعی احزاب و سازمانهای مختلف شکل گرفته و فعالیت می کنند و دارای کادر، پیشینه تاریخی و سنت های جا افتاده فعالیت خود هستند. در این میان جنبش و گرایش سوسیالیستی در کردستان هم از این قاعده مستثنی نیست. بر متن این جنبش عینی و واقعی کومه له و احزاب مختلف سیاسی فعالیت می کنند. این جنبش هم کادر و سنت های مبارزاتی شناخته شده خود

را دارد. سنت اعتصابات عمومی، اعتصابات و اعتراضات کارگری، برگزاری آکسیون های اول ماه مه، برپائی آکسیون های روز جهانی زن، دفاع از حقوق کودکان و مبارزه علیه تخریب محیط زیست بخشی از سنت های این جنبش و گرایش اجتماعی به حساب می آیند. درست است که کومه له از نفوذ اجتماعی و اعتبار غیر قابل انکاری در جامعه کردستان برخوردار است، اما احزاب چپ و کمونیستی دیگر هم بر متن همین سنت مبارزاتی در کردستان فعالیت می کنند. این احزاب مستقل از هر نوع ارزیابی که در مورد دامنه فعالیت و نفوذ خود دارند، با برنامه و فرهنگ سیاسی خاص خود در این جامعه حضور دارند. بنابراین اگر جنبش و گرایش ناسیونالیستی در کردستان یک گرایش تحزب یافته است، گرایش چپ و سوسیالیستی هم در این جامعه یک گرایش تحزب یافته است. بر متن این اوضاع عمومی تلاش چند سال پیش احزاب ناسیونالیست در کردستان برای گرد آمدن آنها در مرکز همکاری و توافق نظر آنها بر سر مبانی مشترک همکاری به لحاظ تاریخی در جامعه تحزب یافته ای مانند کردستان یک گام به پیش است و انتخاب سیاسی بین راست و چپ جامعه را برای توده های مردم راحت تر می کند. کار ما مخالفت با شکل گیری مرکز همکاری احزاب ناسیونالیست نیست، بلکه کومه له هم باید از موضع پاسخگویی به نیاز مبارزه کارگران و زحمتکشان کردستان ابتکار عمل تلاش برای ایجاد یک قطب چپ و سوسیالیستی در کردستان را در دست بگیرد. اتفاقا تلاش برای جلب همکاری پایدار دیگر احزاب و نیروها و جمع های کمونیست در کردستان و شکل دادن به این قطب رادیکال و سوسیالیستی و توافق بر سر جزئیات پروژه هایی برای به راه انداختن کمپین های سیاسی و تبلیغی موفق، می تواند به تقویت جنبش سوسیالیستی در جامعه کردستان منجر شود. همانطور که بارها تأکید کرده ایم با مبارزه نقشه مند علیه بیکاری و مقابله با کشتار کولبران در کردستان، کمپین حول دفاع از بیانیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان، تلاش مشترک برای تبدیل گفتمان حاکمیت شورائی مردم به یک گفتمان نیرومند در جامعه، می توانیم حرکت رادیکال و سوسیالیستی را در کردستان تقویت کنیم. با این تلاش های مشترک در جامعه تحزب یافته ای مانند کردستان که سرشار از تجارب مبارزاتی است، می توان فرصت های تازه ایجاد کرد، و بر متن پیشبرد این فعالیت ها است که جنبش و گفتمان سوسیالیستی در کردستان می تواند نقش رهبری پیدا کند. با به راه انداختن این نوع

کارزارهای مؤثر در کردستان است که هزاران "مفرد" کمونیست، انسان های چپ و رادیکال با گرایشات سیاسی و نظری مختلف به آن می پیوندند و جایگاه خود را در این کارزارها پیدا می کنند.



اما واقعیت این است که به رغم وجود آن اختلاف سیاسی و نظری که به اختصار به آن پرداختیم، این اختلافات به تنهایی وضعیت بحرانی حزب کمونیست ایران و کومه له و سرانجام انشعاب جناح راست را توضیح نمی دهند. آن دیدگاه ها و نظرات اگر چه در مغایرت با سیاست ها و مواضع رسمی حزب هستند، اما وجود آنها در یک حزب سیاسی کمونیستی پدیده ای غیر عادی نیست. این اختلافات می توانست در فضایی سالم به بحث گذاشته شده و پیگیری شوند. اتفاقا اگر این رفقا به جای انکار وجود اختلاف نظر سیاسی و یا ادعای اینکه اختلافات بزرگنمایی شده اند، بحث هایشان را در سطح علنی و رو به جامعه مطرح می کردند، به طوریکه در بیرون از ما هم بدانند که اختلافات بر سر چیست، با اینکار می توانستند حداقل با شفاف تر شدن مسائل مورد اختلاف و گروه بندی های سیاسی در درون حزب کمک کنند. تنها در آنصورت و با پابندی به سنت های انقلابی و پیشرو بود که می توانستند به رغم وجود جناح بندی سیاسی در مسیر وحدت صفوف تشکیلات قدم بردارند. اما این رفقا از یک طرف با انکار وجود اختلافات سیاسی و از طرف دیگر با روش ها و سبک کار به شدت ضد دموکراتیکی که در مبارزه سیاسی و تشکیلاتی در پیش گرفتند، بحران تشکیلاتی را پیچیده کردند و موجبات یک قطب بندی و جناح بندی شدید و تنش آلود و سرانجام انشعاب را فراهم آوردند.

آنها با درس گرفتن از تجربه انشعاب جریان زحمتکشان و جدائی فراکسیون فعالیت تحت نام کومه له می دانستند که در تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه له حول خط مشی انحلال حزب کمونیست ایران، مخالفت با انقلاب کارگری و تحقق ناپذیری سوسیالیسم در یک کشور، مخالفت با حاکمیت شورایی در کردستان و مخالفت با ایجاد قطب چپ و سوسیالیستی، نمی توانند اکثریت اعضای حزب را با خود همراه کنند. از اینرو با تشدید آن نوع آرژانتاسیون هایی که بیشتر اشاره کردیم و آلوده کردن فضای سیاسی تشکیلات بویژه در مقطع برگزاری انتخابات ها و بطور مشخص در مقطع برگزاری کنگره

➔ هفدهم و کنفرانس دوازدهم تشکیلات خارج سعی کردند که افکار اعضای کم تجربه را در راستای پیشبرد پروژه‌های خود و شکل دادن به یک رهبری یکدست برای ارگانهای مختلف رهبری حزب مهندسی کنند. استراتژی تشکیلاتی آنها تسخیر ارگانهای مختلف تشکیلاتی و رهبری حزب و کومه‌له با تکیه بر دروغ پردازی های سازمانیافته بود. آنها می خواستند از این طریق ارگانهای رهبری را تسخیر کنند و اینبار پیشبرد مواضع سیاسی خودشان را که در تقابل با مبانی برنامه‌ای و استراتژیک حزب و کومه‌له قرار دارند را در ادامه و در پیوستگی با سیاست ها و مواضع تاکنونی حزب و کومه‌له جلوه دهند. این رفقا می خواستند مواضع راست روانه خود را در پوشش چپ پیش ببرند، از این رو از بیان این حقیقت ساده که مواضع آنها بطور عینی در جناح راست مبانی برنامه‌ای و استراتژی حزب کمونیست ایران و کومه‌له قرار گرفته به شدت برآشفته می شوند. رهبری جناح راست در حالی عامدانه تبیین راست و چپ از اختلافات درونی حزب و کومه‌له را عامل ایجاد تفرقه و انشقاق در صفوف تشکیلات معرفی می کند که خودشان می دانند، و روز شمار وقایع درون حزب نیز به روشنی نشان می دهد، آن زمان که این تبیین از ماهیت اختلافات سیاسی بر مبنای اسناد و مواضع رسمی حزب در یک جلسه تشکیلاتی طرح گردید، یک سال و نیم از مهندسی کنگره هفدهم کومه‌له گذشته بود و بیش از یک سال بود که این تشکیلات به دو جناح متمایز تقسیم شده بود و روش های انحصار طلبانه آنها هر روز این شکاف را عمیق تر کرده بود.

رهبری جناح راست زیر لوای فریادهای وحدت طلبانه و جنجال آفرینی حول اینکه چرا این تشکیلات را به راست و چپ تقسیم کرده‌اید، عملاً و بیش از دو سال است که در راستای انحلال حزب کمونیست ایران گام بر می دارند. رهبری این جناح در کمیته مرکزی کنونی کومه‌له و کمیته تشکیلات خارج در هماهنگی با هم، بیش از دو سال قرار کمیته مرکزی حزب در مورد توقف عضو گیری را نقض کرده و برای جناح خود عضوگیری کردند. طی تمام این مدت حکم تنبیه و اخراج و برکناری از مسئولیت های تشکیلاتی بر بالای سر نیمی از اعضای این تشکیلات که جزو جناح کمیته رهبری کومه‌له و کمیته خارج نبوده‌اند آویزان بوده است. تحت این نوع فشارها در خارج از کشور بیش از ده نفر از کادرهای قدیمی این حزب استعفا دادند و رفتند، در حالی

که هنوز خودشان را متعلق به این تشکیلات می دانند. در تشکیلات علنی کردستان اعضا و پیشمرگانی که جزو جناح کمیته رهبری نبوده‌اند همواره تحت فشار قرار داشته‌اند، به خاطر لایک کردن یک مطلب منتقد مواضع آنها در شبکه های اجتماعی، اعضا و پیشمرگان به دبیرخانه احضار شده و مورد پرس و جو و تهدید به تنبیه قرار گرفتند و با این روش های ضد دمکراتیک و غیر انسانی رفقای ما را برای ترک صفوف تشکیلات به منظور تصفیه اردوگاه تحت فشار قرار دادند.

رهبری جناح راست در حالی که کلیه امکانات مالی را در قبضه داشت و با این اقدامات انحلال طلبانه بخشی از تشکیلات را به گروگان گرفته بود، مکرراً بر برگزاری کنگره سیزدهم حزب کمونیست ایران به عنوان راه حل برون رفت از بحران پافشاری می کرد. این پافشاری در حالی بود که کمیته مرکزی حزب با تدوین آیین نامه برگزاری کنگره سیزدهم و با توزیع آن در میان اعضای حزب در آذرماه ۱۳۹۹ برابر با نوامبر ۲۰۲۰ عزم خود برای برگزاری کنگره سیزدهم حزب را اعلام کرده بود. مطابق این آیین نامه که در سطح علنی نیز انتشار یافته است، هر دو جناح درون حزب و کومه‌له می توانستند به نسبت وزنی که دارند در کنگره شرکت کنند و نمایندگی شوند، مطابق این آیین نامه اعضایی که به طور جناحی پذیرش شده بودند از شرکت در پروسه انتخابات منع می شدند. این آیین نامه به شیوه ای کاملاً دمکراتیک اراده همه اعضا از هر دو جناح در تعیین سرنوشت حزب را تأمین می کرد. اما در برابر تلاش کمیته مرکزی حزب برای برگزاری کنگره سیزدهم، کمیته مرکزی کنونی کومه‌له با طومار نویسی علیه مفاد این آیین نامه که خود رفیق ابراهیم عزیز در صدر لیست امضا کنندگان بود، آشکارا عدم پایبندی و پیروی خود از این آیین نامه را اعلام کردند و با کارشکنی خود عملاً مانع برگزاری کنگره سیزدهم حزب شدند. این در حالی است که مطابق اساسنامه، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران به عنوان بالاترین ارگان حزب در فاصله دو کنگره مسئول سازماندهی و برگزاری کنگره است و با جنجال آفرینی نمی توان اختیار تدوین آیین نامه برگزاری کنگره را از آن سلب کرد.

اما کارشکنی ها و اقدامات ضد دمکراتیک رهبری جناح راست به اینها محدود نماند. کمیته رهبری کنونی کومه‌له با ممانعت از حضور رفقای کمیته اجرائی حزب که در تشکیلات علنی کردستان حضور داشتند از حضور در

جلسات این کمیته و عدم سازماندهی اعضای کمیته مرکزی حزب در فعالیت های تشکیلات کردستان و با به انحصار در آوردن شبکه های تلویزیون کومه‌له و حزب کمونیست ایران و کمیسیون امور مالی، ابعاد تازه‌ای به روش های ضد دمکراتیک و رفتار مغایر با موازین دمکراسی درون تشکیلاتی بخشیدند. کمیته مرکزی کنونی کومه‌له با یکدست کردن کمیته تلویزیون که بنا به تعریف می بایست هم تبلیغات حزب کمونیست و هم کومه‌له را پیش می برد، سیاست تصفیه سیاسی و برکناری کلیه کادرها و پرسنل متعلق به جناح چپ تشکیلات از سازمان تلویزیون را به اجرا گذاشتند و سانسور نظرات مخالف را بطور کامل نهادینه کردند. طی تمام این مدت مانع آن شدند که اعضا، کادرهای جناح چپ و اکثریت کمیته مرکزی حزب در رسانه تصویری حزب و کومه‌له ظاهر شوند. درحالی که نظرات رفیق ابراهیم عزیز در رابطه با اختلافات درونی تشکیلاتی را چندین بار از آن تلویزیون پخش نمودند، پاسخ عضو کمیته اجرایی حزب به آن نظرات را سانسور نموده و اجازه پخش آن را ندادند. رفیق محمد کمالی صدا و چهره آشنا و از تهیه کنندگان و مجریان ثابت "تلویزیون کومه‌له" را به دلیل تهیه برنامه‌ای در رابطه با اعتراضات توده‌های مردم کردستان عراق، علیرغم مخالفت کمیته اجرائی حزب، از فعالیت در تلویزیون کنار گذاشتند.

در ادامه همین روش های انحلال طلبانه کمیته تلویزیون تحت نظر کمیته مرکزی کنونی کومه‌له و شخص ابراهیم عزیز در یک اقدام غیر اساسنامه‌ای در تاریخ ۲۷ مارس سال ۲۰۲۱ با ارسال نامه به تهیه کنندگان برنامه های شبکه تلویزیون حزب کمونیست ایران، همه این رفقا را به دلیل وجود اختلاف نظر سیاسی از کار و فعالیت در این رسانه حزبی برکنار کردند. کمیته تلویزیون جناح راست در ادامه این اقدامات و تحت نظر ابراهیم عزیز بدون اطلاع کمیته مرکزی و کمیته اجرائی حزب کمونیست ایران و خارج از دامنه اختیارات خود طی نامه ای به رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمیتست، سازمان فدائیان اقلیت و سازمان راه کارگر جهت قطع پخش برنامه‌های تلویزیونی این رفقا از کانال تلویزیونی مشترک ضرب الاجل تعیین کردند و تا آخر ماه سپتامبر ۲۰۲۱ به آنها فرصت دادند تا در فکر اجاره کردن یک کانال تلویزیونی دیگر باشند. رهبری جناح راست با این کار در واقع می خواست با یک تیر دو نشان بزند، از یک سو، یکی از عرصه های مهم فعالیت مشترک حزب با این

اولین فرصت کنگره حزب کمونیست ایران و کومه‌له سازمان کردستان حزب را همزمان برگزار نماید.

با توجه به اینکه حفظ بخش علنی و مسلح حزب در کردستان برای ما از اهمیت اصولی برخوردار است، تمام تلاش ما معطوف به آن است که مسائل مربوط به این بحران و جدایی هیچ لطمه‌ای به اعتبار حزب و ر وارد نیابد و همه مسائل به روال منطقی و در فضایی رفیقانه با رفقای جناح مقابل حل و فصل گردد.

رهبری حزب در ادامه فعالیت‌ها و اقدامات تاکتونی تلاش خواهد کرد که جدای از انتشار این بیانیه، از طریق دیگر رسانه‌های حزبی و همچنین از طریق تماس‌های مستقیم هر نوع دلسردی و اغتشاش فکری ناشی از بحران و جدایی کنونی را به حداقل برساند و امید و شور و شوق به فعالیت زیر پرچم حزب کمونیست ایران و کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را تقویت نماید. برای پیشبرد این وظایف دست همکاری همه کادرها، اعضا و دوستان و فعالین حزب و کومه‌له را در هر کجا که هستند را به گرمی می‌فشاریم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۶ دی ماه ۱۴۰۰

۱۶ ژانویه ۲۰۲۲

زیر نویس:

تعداد اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران ۲۰ نفر هستند. از این تعداد ۱۵ تن از رفقا: هلمت احمدیان، خسرو بوکانی، رئوف پرستار، نصرت تیمورزاده، عیسی جمشیدی، حسن شمسی، احمد عزیزپور، محمود قهرمانی، صلاح مازوجی، پدرام نصراللهی، جلال محمد نژاد، گوهر معمارزاده، عباس منصوران، اردشیر نصرالله بیگی و مرضیه نظری این بیانیه را مورد تصویب قرار داده‌اند.

۵ تن از رفقا که جناح اقلیت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران را تشکیل می‌دادند عبارتند از رفقا: وریا احمدی، عادل الیاسی، فراس صالحي، ابراهیم علیزاده و سروه ناصری

ایران تاکنون در فرصت‌ها و به مناسبت‌های مختلف نگرانی خود را از انشعاب محتمل در حزب کمونیست ایران و ر ابراز داشته‌اند. به رغم وجود این نگرانی‌ها، متأسفانه تلاش‌های چند ساله کمیته اجرائی و اکثریت کمیته مرکزی حزب برای حفظ وحدت صفوف تشکیلات و جلوگیری از انشعاب، نتوانست مؤثر واقع شود.

طبیعتاً این انشعاب، حزب کمونیست ایران و کومه‌له را با موقعیت جدید و نسبتاً دشواری روبرو می‌سازد. به رغم این دشواری‌ها کمیته اجرائی حزب و اکثریت کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران که ۷۵ درصد اعضای کمیته مرکزی را شامل می‌شود مصمم است به وظایف سیاسی و حزبی و کلیه تعهدات اعلام شده‌اش پیگیرانه عمل نماید. بدیهی است که روبرو شدن با این دشواری‌ها و انجام این وظایف سنگین فقط با تکیه بر آستین بالا زدن و همکاری و همبستگی فعالانه کادرها و اعضای حزب کمونیست ایران و کومه‌له بویژه در داخل ایران قابل حصول است.

حزب کمونیست ایران و کومه‌له به عنوان بخشی از جنبش کمونیستی ایران در اوضاع متحول کنونی جهان، منطقه و ایران همچنان در سنگر دفاع از منافع کارگران برای اهداف کمونیستی و انترناسیونالیستی خود مبارزه می‌کند. رهبری حزب کمونیست ایران با بازسازی فوری کلیه عرصه‌های فعالیت حزب و کومه‌له که در نتیجه بحران و کشمکش‌های درونی چند سال گذشته زیان دیده‌اند، تلاش می‌کند اعتبار سیاسی و اجتماعی این جریان، اعتبار و نفوذ سیاسی کادرها و اعضای آن را در خدمت مبارزه برای اهداف کمونیستی حزب در سطح سراسری و استراتژی سوسیالیستی کومه‌له در جنبش انقلابی کردستان قرار دهد.

ما اعلام می‌داریم که مصوبات و اسناد رسمی کنگره‌ها و پلنوم‌های حزب کمونیست ایران و اسناد و مصوبات کنگره‌های تاکتونی کومه‌له - سازمان کردستان حزب، همچنان مبنای فعالیت‌های تشکیلات هستند و اعضا و کادرها حزب و کومه‌له در عرصه‌های مختلف بر اساس همین اسناد و مصوبات، فعالیت خود را پیش می‌برند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران مصمم است که به عنوان بخشی از روند بازسازی آن عرصه‌هایی از فعالیت حزب و کومه‌له که در جریان این کشمکش‌ها لطمه دیده‌اند، در

نیروها را مختل نماید و از سوی دیگر در حالی که رسانه تصویری حزب و کومه‌له را به انحصار کامل خود در آورده بود، امکان راه اندازی شبکه‌های تلویزیونی حزب کمونیست ایران و کومه‌له را از جناح چپ تشکیلات سلب نمایند. قابل توجه اینکه به رغم همه این اقدامات بشدت ضد دمکراتیک و نهادینه کردن سانسور، ابراهیم علیزاده در برنامه‌های تلویزیونی ظاهر شده و رو به مردم کردستان با این ادعا که در تشکیلات سانسور وجود ندارد، خلاف حقیقت را به مردم گزارش داد. وی با این کارنامه از تلاش برای زیر پا خالی کردن منتقدین سیاسی، سنگ دفاع از اساسنامه و سنگ دفاع از اصل وجود کثرت نظرات و وحدت عمل را به سینه می‌زند. فراتر از اینها رهبری جناح راست و در رأس آنها ر. ابراهیم علیزاده با این کارنامه از اقدامات غیر اساسنامه‌ای و در حالی که رسانه‌های تبلیغی ارگان بالاتر خود یعنی کمیته مرکزی حزب را مصادره کرده‌اند، جناح چپ تشکیلات را به موازی کاری و رفتار غیر اساسنامه‌ای متهم می‌کنند. رهبری جناح راست سر انجام با تکیه بر وارونه کردن این واقعیات انکارناپذیر، در یک اقدام ضد اساسنامه‌ای و با این توجیه که بخشی از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در فاصله دو کنگره ۱۷ تا ۱۸ کومه‌له اقدام به سازمان دادن تشکیلات موازی با حزب و کومه‌له کرده‌اند، سازماندهی کنگره جناحی "کومه‌له" را در دستور قرار داده و مطابق آیین نامه‌ای که برای برگزاری انتخابات نمایندگان "کنگره ۱۸ کومه‌له" تدوین کرده‌اند با ممانعت رسمی از مشارکت نیمی از اعضای واجد شرایط در تشکیلات خارج برای شرکت در پروسه انتخابات نمایندگان این کنگره و با از قلم انداختن اکثریت قاطع اعضای تشکیلات داخل، به انشعاب خود از حزب کمونیست ایران و از کومه‌له به عنوان سازمان کردستان این حزب رسمیت دادند. رهبری جناح راست با برگزاری کنگره جناحی و ممانعت از حضور جناح چپ کومه‌له و حزب کمونیست ایران در این کنگره، گام بلندی در جهت همگرایی هر چه بیشتر با دو شاخه سازمان زحمتکشان برداشت.

بدون شک فرجام این کشمکش‌ها و رسمیت یافتن انشعاب در حزب کمونیست ایران و کومه‌له در اوضاع متحول کنونی ایران و کردستان برای جنبش کارگری و کمونیستی ایران به هیچوجه رویداد خوشایندی نیست. فعالین و دوستان حزب در داخل و احزاب و سازمانها و چهره‌های خوشنام جنبش کمونیستی

اطلاعیه

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در مورد تعیین کمیته رهبری کومه له



هدایت و رهبری کلیه فعالیت‌های کومه‌له در عرصه‌های مختلف را بر عهده خواهد داشت.

اسامی این رفقا عبارتند از:

روناک آشناگر، خسرو بوکانی، مظفر پاکسرشت، رئوف پرستار، عیسی جمشیدی، بارزان حسن پور، شمس خرمی، رشید رزاقی، عثمان رضائی، حبیب سلطانی، حسن شمس، رحیم عزیزپور، انور عزیزیان، اختر کمانگر، محمد کمالی، لقمان گله داری، صدیقه محمدی، گوهر معمارزاده، محمد نبوی، پدram نصراللهی و مرضیه نظری

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

۲۹ دی ۱۴۰۰

۱۹ ژانویه ۲۰۲۲



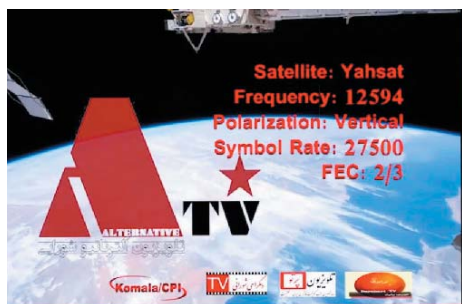
انقلابی کردستان بحساب می آید و در کوتاه مدت به اعتماد توده‌های مردم نسبت به این تشکیلات لطمه وارد می آورد و نوعی یأس و سرخوردگی را دامن می زند. این اوضاع حزب کمونیست ایران و کومه‌له را با موقعیت جدید و نسبتا دشواری روبرو کرده است. ما بر این باوریم که فقط با حضور فعال و نقشه‌مند در عرصه‌های مختلف مبارزه اجتماعی می توان بر پیامد زیانبار این جدایی غلبه کرد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران در راستای پاسخگویی به این نیاز و همچنین به عنوان بخشی از روند بازسازی آن عرصه‌هایی از فعالیت حزب و کومه‌له که در جریان این کشمکش‌ها لطمه دیداند و نظر به عرصه‌های گسترده فعالیت کومه‌له، در اولین نشست وسیع خود جمعی از کادرهای مجرب حزب که هر کدام دورانی از فعالیت در رهبری کومه‌له و حزب را تجربه کرده‌اند، به عنوان کمیته رهبری کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران تعیین کرد. این کمیته تا برگزاری کنگره هیجدهم کومه‌له که بزودی برگزار می شود

همانطور که اطلاع دارید اختلافات سیاسی و تشکیلاتی و کشمکش‌هایی که از چند سال پیش بخش‌های مختلف تشکیلات حزب کمونیست ایران و کومه‌له را عملا به دو جناح سیاسی متمایز از هم تقسیم کرده بود، با برگزاری کنگره جناحی تحت عنوان "کنگره هیجدهم کومه‌له" به آخرین مرحله خود رسید. تشکیل این کنگره جناحی که مطابق آیین نامه برگزاری آن از شرکت کلیه اعضای که به جناح چپ تشکیلات تعلق داشتند در پروسه انتخابات نمایندگان به بهانه واهی «درست کردن تشکیلات موازی» ممانعت بعمل آمده بود، انشعاب و جدائی این رفقا از حزب کمونیست ایران و از کومه‌له به عنوان سازمان کردستان این حزب را رسمیت بخشید. در حین برگزاری این کنگره، کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران هم طی بیانیه‌ای که روز ۲۶ دی ماه انتشار یافت انشعاب جناح راست از حزب کمونیست ایران و کومه‌له را اعلام کرد.

بدون تردید این انشعاب ضایعه‌ای برای جنبش کارگری و سوسیالیستی ایران و برای جنبش

تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له برنامه‌های خود را به همراه تلویزیون‌های "دمکراسی شورایی"، "پرتو" و "برابری" بر روی کانال ماهواره‌ای "تلویزیون آلترناتیو شورایی" کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاهسات پخش می کند.



**ساعت پخش برنامه‌های
تلویزیون حزب کمونیست ایران و کومه‌له به وقت تهران:**

- آغاز برنامه‌ها، ۱۷،۳۰، پنج و نیم عصر
- تکرار بار اول، ۲۳،۳۰، یازده و نیم شب
- تکرار بار دوم، ۰۵،۳۰، پنج و نیم صبح
- تکرار بار سوم، ۱۱،۳۰، یازد و نیم قبل از ظهر

برای مشاهده مستقیم بیست و چهار ساعته کانال ماهواره‌ای تلویزیون‌های آلترناتیو شورایی (کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست) به سایت حزب کمونیست ایران مراجعه کنید و یا روی لینک زیر کلیک نمایید. <https://alternative-shorai.tv>

ضرورت پیوند مبارزات معلمان با دیگر بخش های جنبش کارگری



و اخراج به آنان تحمیل می‌شود اما این سرکوبگری‌ها نتوانسته روند رو به گسترش اعتراضات سراسری معلمان را متوقف کند. در برابر این سرکوبگری‌ها معلمان در اعتراضات خود همواره بر خواست آزادی بدون قید و شرط تمام معلمان زندانی، زندانیان سیاسی، توقف احضار و بازجویی فعالان و خاتمه دادن به پرونده سازی و دادگاه‌های ظالمانه تاکید کرده اند. همچنین اعلام نموده اند تا تحقق مطالبات دست از اعتراض و اعتصابات سراسری بر نخواهند داشت و روند اعتراضات سراسری خود را ادامه خواهند داد. بر بستر ادامه همین اعتراضات و اعتصابات سراسری است که زمینه های پیوند جنبش معلمان با دیگر بخش های جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی در جامعه فراهم می آید. حضور چشمگیر زنان، دانش آموزان و خانواده هایشان یکی از ویژگی های بارز این اعتراضات در دوره اخیر بوده که روند پیشروی این جنبش را نشان می دهد.

معلمان در سال های اخیر با تأکید بر خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان و رفع تبعیض ها و افزایش حقوقها به بالای خط فقر و خواست منع کالایی شدن آموزش و درمان رایگان، در عالم واقع خواسته های کارگران و بخش های وسیعی از مزدبگیران و اقشار فرودست جامعه را نیز مطرح کرده اند. با توجه به موقعیت و وزن اجتماعی که معلمان دارند و از طریق میلیون ها دانش آموز با جامعه مرتبط هستند و مسائل و مشکلات مربوط به زندگی و معیشت آنها بطور گسترده ای در جامعه انعکاس پیدا کرده است، در موقعیت اجتماعی مناسبی برای ارتقاء مبارزات خود قرار دارند. نباید گذاشت که این اعتراضات فقط به معلمان محدود بماند. اعتراضات معلمان شایسته حمایت توده ای است. دانش آموزان و خانواده های آنها لازم است در اعتراضات سراسری معلمان مشارکت نمایند و با مشارکت و حمایت و پشتیبانی خود در جهت توده ای کردن و پر قدرت کردن هر چه بیشتر جنبش معلمان گام بردارند.

نرخ تورم در کشور آنها نزدیک به خط فقر و در بعضی از استان ها زیر خط فقر قرار دارند. شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در قطعنامه تجمع های اعتراضی روز پنجشنبه بیست سوم دی ماه بار دیگر بر «اجرای اصولی و کامل رتبه بندی فرهنگیان از بدو استخدام بر مبنای حداقل هشتاد درصد حقوق متناظر اعضای هیات علمی و تعیین منابع بودجه رتبه بندی برای سال ۱۴۰۱ بدون قید و شرط.» تأکید کردند. اگرچه برخی ناظران پیشبینی می کردند که تصویب طرح ناقص لایحه رتبه بندی از جانب مجلس اسلامی رژیم باعث فروکش اعتراضات سراسری معلمان شود، اما باید گفت مصوبه مجلس پیرامون رتبه بندی، طبق اظهارات معلمان معترض چیزی جز سرهم بندی نبوده است. زیرا از یک طرف بودجه کافی برای اجرای کامل آن تخصیص داده نشده و از سوی دیگر دولت اعلام کرده که همین لایحه مصوب را هم در سال جاری اجراء نخواهد کرد. در مقابل معلمان خواستار اجرای لایحه رتبه بندی، بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار در نیمه دوم سال جاری، و افزایش حقوق همه معلمان اعم از معلمان شاغل در مدارس غیر دولتی، معلمان نهضت سواد آموزی، خرید خدمات، نیروهای خدماتی و سایر بخش ها با توجه به رتبه بندی هستند. این در حالی است که در میان تجمعات اعتراضی فرهنگیان، بازنشستگان فرهنگی نیز حضور دارند و نسبت به عدم اجرای طرح همسان سازی مستمری بر مبنای قانون مدیریت خدمات کشوری، اعتراض دارند. علاوه بر مطالبات مطرح شده، معلمان به کالایی شدن آموزش، کاهش سطح کیفی آن و بحرانی شدن معیشت مزدبگیران، معترض هستند. معلمان بارها با بالا بردن قلم های خود و سر دادن شعار «قلم سلاح من است»، «قلم بر تفنگ غالب است» اعتراض خود را اعلام کرده اند.

در برابر این موج عظیم اعتراضات معلمان سناریوسازی به سبک و سیاق روزنامه کیهان برای به عقب راندن و امنیتی کردن مطالبات معلمان و بازنشستگان راه به جایی نخواهد برد. سالهاست که فعالان جنبش های اجتماعی از جمله معلمان زیر ضرب هستند و زندان

روز پنجشنبه ۲۳ دی ماه، معلمان شاغل و بازنشسته با فراخوان شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران در سطح سراسر کشور دست به تجمعات اعتراضی زدند. علیرغم حاکم بودن جو امنیتی و حضور گسترده نیروهای امنیتی در بسیاری از شهرهای کشور، معلمان، بازنشستگان همراه با دانش آموزان و خانواده هایشان در این اعتراضات سازمان یافته و متشکل بطور چشمگیری شرکت کردند. در طول یک سال جاری چندین اعتصاب و تجمع بزرگ سراسری برگزار گردیده است. استمرار اعتصابات و تجمعات سراسری، مجلس شورای اسلامی را بر آن داشت تا قانون طبقه بندی معلمان را تصویب نماید. در حالیکه تصویب این قانون عملاً هیچ مشکلی را حل نکرده و برای همه روشن شده است که دولت نیز نمیخواهد و نتوانسته به خواست و مطالبات فرهنگیان جواب دهد. بالا گرفتن اعتراضات سراسری در حالی صورت می گیرد که رژیم جمهوری اسلامی از یک طرف با مشکلات ساختاری اقتصاد سرمایه داری روبرو است و از طرف دیگر تداوم تحریم های اقتصادی ناشی از فعالیت های هسته ای، اقتصاد ایران را در معرض فروپاشی قرار داده است. بر اساس گزارش مرکز آمار ایران، نرخ تورم سالانه در آبان ۴۴.۴ درصد بوده و بر پایه آمارهای رسمی وزارت کار، متوسط قیمت بیش از ۸۳ درصد اقلام خوراکی در ایران از حد بحران هم فراتر رفته است. اردیبهشت امسال در جریان تجمعات اعتراضی اعلام شده بود که مستمری ها باید در سطح ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان به عنوان پایه حقوق و سبد معیشت در نظر گرفته شود، ولی با توجه به سطح تورم کنونی در ایران این رقم افزایش یافته است. آسیب دیدن امر آموزش و پرورش یکی از مهم ترین پیامدهای وضعیت وخامتبار زندگی و معیشت معلمان است. پیامدهایی که حال و آینده دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می دهد. معلمان و بازنشستگان در بین کارمندان دولت در رتبه چندم قرار دارند و با توجه به



ماشین قتل و کشتار جمهوری اسلامی را باید از کار انداخت!

ظاهر تا بن دندان مسلح در برابر مردم بی دفاع که جز صدای اعتراض ابزار دیگری برای طرح خواست‌های خود ندارند گویای ضعفی بنیادین در تشکیلات حکومت است. از این مضحک تر هنگامی است که زندانیان سیاسی محبوس در زندان‌ها نیز موجب ترس و وحشت حاکمان می‌شوند و با توسل به روش‌های حيله‌گرانه در صدد قتل آن‌ها برمی‌آیند. و این چنین است که میتوان گفت تا چه اندازه رؤیاهای آبتین مادیت میگیرند. او آرزو داشت که "یک سری آدم و ایسن و پایداری کنن" و اکنون این تنها یک سری آدم نیستند که پایداری میکنند. گوشه گوشه این سرزمین از جنوب تا شمالش، از شرق تا غربش، از کارخانه تا خیابانهایش مردمانی در مقیاس توده ای ایستاده اند و پایداری میکنند.

واقعیت این است که به بند کشیدن، اعدام و قتل انقلابیون و مخالفین بخشی از اعمال دیکتاتوری توسط دولت طبقه حاکم علیه توده های مردم است. این اعمال جنایتکارانه تنها از میان بردن انسان منتقد نیست. بلکه در جوهر خود میخواهد هر حرکت زنده و اعتراض توده های مردم و آمال و آرزوهای آنان برای رهائی از جهان وارونه را سرکوب نماید. این نظام طبقاتی سرکوبگر در تمامی اجزایش در تقابل با آن افق رهایی بخش سوسیالیستی قرار دارد که چشم انداز جامعه انسانی، جامعه انسان‌های آزاد و انسان‌های فارغ از خود بیگانگی را در برابر جامعه بشری ترسیم می کند.

نباید برای یک لحظه هم فراموش کنیم که دشمن برای سرکوب ما حاضر است تا چه حد سببیت و وحشیگری از خود نشان دهد تا مانع پیشروی انقلاب ما بشود و همزمان نباید یک لحظه هم فراموش کنیم که رهائی ما از چنگال دشمن طبقاتی در گرو مقاومت، ایستادگی، همبستگی و سازمان یافتگی جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی در بعد سراسری است.

تهران در گرامیداشت وی شمع روشن کردند. یکی از کارگردانان سینما نوشت "بکتاش آبتین همسفر مسافران پرواز اوکرائینی شد. مرگ او سند جنایت تازه جمهوری اسلامی است". در همین روز یکشنبه گذشته شرکت کنندگان در مراسم وداع با بکتاش آبتین و در حالیکه در محاصره کامل نیروهای سرکوبگر قرار گرفته بودند، باز هم مرگ بر دیکتاتور را فریاد زدند.

سالها پیش تر زمانی آبتین گفته بود: «وضعیت جامعه معاصر ما اینه که ما به اندازه کافی شاعر خوب داریم، هنرمند خوب داریم، چیزی که کم داریم اینه که یک سری آدم و ایسن مبارزه کنن، که یک سری آدم و ایسن حقشون رو بخوان، یک سری آدم و ایسن و پایداری کنن. مبارزه و ایستادگی حلقه مفقود معاصر کشور منه. بدین ترتیب دوست دارم که همین امروز در جوانی، در اقتدار جان شیرینم را فدا کنم». این رؤیای آبتین جوان به یک امر واقعی تبدیل شد، زمانیکه مردم حماسه دیمه را آفریدند، زمانیکه مردم در آبانماه به برج و باروی رژیم حمله ور شدند، زمانیکه کارگران در هفت تپه بر مقاومت و ایستادگی پای فشردند، زمانیکه سپیده قلیان با وجود اسیر بودن در سیاهچالهای رژیم پرده از شرایط مرگبار زندان زنان برداشت، زمانیکه لیلا حسین زاده فعال چپ جنبش دانشجویی در پشت میله های بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین نوشت: «زندان دوست دارد ما را احاطه کند و فرو بخورد، اما آزادی در رؤیای ما می شکوفد و در چشمانمان امید میشود». زمانیکه اسماعیل بخشی فعال شجاع هفت تپه مینویسد: «به خیالشان محکومش کردند، زندانش کردند، بیمارشان کردند، جانش را گرفتند تا دیگر سرود آزادی را از دهان سرخشان نشنوند. آسوده نباشید که از گور بکتاش آبتین این شاعر آزادی، هزاران جوانه خواهد روئید که از دهان سرخشان سرود آزادی و آزادیخواهی را بر سرتان فریاد خواهند کشید، آسوده نباشید». زمانیکه جمعی از زندانیان سیاسی زندانهای جمهوری اسلامی در بیانیه خود نوشتند: «همین

هیچ ترفندی نمیتواند این حقیقت را پنهان کند که سران رژیم قاتل بکتاش آبتین هستند. این تبهکاران اینجا هم همان جنایتی را مرتکب شدند که پیش تر در جریان قتل‌های زنجیره ای مختاری و پوینده مرتکب شده بودند، همان جنایتی را مرتکب شدند زمانی که گلوله هایشان را به سینه معتضضان آبان نود و هشت شلیک کردند. همان جنایتی را مرتکب شدند، زمانی که هوایمهای مسافربری اوکرائینی را ساقط کردند و باعث مرگ صد و هفتاد و شش سرنشین آن شدند. در همه این تبهکاریها جامعه اما بدون تعلل انگشت اتهام را به سوی سران رژیم گرفت. اکنون ماشین قتل و کشتار جمهوری اسلامی یکبار دیگر از میان کانون نویسندگان ایران قربانی گرفت. زمانی که در اردیبهشت نود و هشت سرکوبگران سه تن از اعضای کانون نویسندگان را به اتهام "تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور در مجموع به هیجده سال زندان محکوم کردند، معلوم شد که سران رژیم چه وحشتی از قلم متعهد و از آگاهی جامعه دارد.

اما حافظه تاریخی این جامعه نمیتوانست و نمیتواند فراموش کند که به خون کشیدن هر گونه مقاومت عادلانه بخشی از جوهر ارتجاعی این رژیم است. این جامعه تجربه خونبار لشکرکشی به کردستان و خلق ترکمن، یورش به اعتراض زنان، نسل کشی دهه شصد، به گلوله بستن کارگران، یورش به خوابگاههای دانشجویان، حمله به تجمعات اعتراضی فرهنگیان، بازنشستگان، کشتار کولبران را دارد. با وجود همه این تبهکاریها مردم رنج دیده ایران زیر سایه مرگبار کرونا در هر فرصتی که یافته اند، کارخانه و خیابان را به میدان ابراز وجود شجاعانه خود تبدیل کرده اند. شماری از زندانیان سیاسی در بند ۸ زندان اوین، به محض دریافت خبر درگذشت آبتین با تحصن در هواخوری این بند با فریاد "مرگ بر خامنه ای" اعتراض خود را نشان داده و مدتی بعد برای برگزاری مراسمی در یادبود وی در اتاق پیشین او جمع شدند. علاوه بر این جمعیتی از شهروندان با تجمع مقابل بیمارستان ساسان

تشدید رقابت قدرتهای امپریالیستی

اکنون دیگر مدتهاست که همه از جنگ سرد جدید صحبت میکنند. بازیگران اصلی این جنگ سرد، آمریکا، اروپا، روسیه و چین آشکارا در مقابل هم صف آرایی کرده و این جنگ را در کلیه حوزه ها به پیش میبرند. از جنگ تجاری تا تحریم های اقتصادی، از امضاء تفاهم نامه ها با متحدین و اعلام پیمان های جدید، تا جنگ رسانه ای، تا آماده باش نظامی، از گفتگوهای بایدن و پوتین تا اجلاس ویژه پیمان ناتو، از تمرکز نیروی نظامی روسیه در مرز اوکراین تا مانورهای نظامی آمریکا و متحدینش در منطقه پاسیفیک، عرصه های گوناگون تشدید این رقابت ها هستند. دو ماه پیش تصاویر پناهجویان در مرز بلاروس و لهستان نمایش یک وحشیگری تمام عیار بود که در میدان رقابتها به صحنه آمده بود. پناهجویانی که در سرمای زیر صفر درجه در چادر ها و در میان انبوه جنگل گرفتار آمده بودند. آنچه که مرزبانان لهستانی از رهگذر اعزام بیش از بیست و یک هزار نیروی نظامی به مرز و به کاربردن گاز اشک آور و ضرب و شتم پناهجویان و شرایط غیر انسانی که به آنان تحمیل کردند، و تشدید تحریم های اقتصادی علیه بلاروس از جانب اتحادیه اروپا پیامد همین جنگ سرد بود. هر کدام از طرفین دیگری را متهم به دامن زدن به این جنگ میکنند تا به افکار عمومی جهان به اصطلاح بی تقصیری خود و مقصر بودن دیگری را بقبولانند.

حضور نیروهای نظامی روسیه در مرز اوکراین فارغ از تعداد و نوع تسلیحات آنان نمیتوانست عکس العمل رقیبان را بر نیانگیزد. درست به این خاطر در روز سی ام نوامبر وزرای خارجه ناتو در اجلاس فوق العاده ای برای بحث "در باره انگیزه های احتمالی مسکو در استقرار نیرو در نزدیکی مرز اوکراین"، در ریگا پایتخت لتونی گرد هم آمدند. در این گرد هم آئی آنان هشدار دادند که "در صورت هر گونه تجاوز نظامی جدید علیه اوکراین، روسیه بهای گزافی خواهد پرداخت". یک روز قبلتر دبیر کل ناتو به خبرنگاران گفته بود "اگر روسیه بار دیگر از زور علیه استقلال کشور اوکراین استفاده کند، هزینه زیادی باید بپردازد". وزیر خارجه آمریکا نیز با تأیید سخنان وی اضافه کرد که: "هرگونه اقدام تشدید کننده روسیه برای ایالات متحده نگران کننده بوده و هرگونه حمله جدید عواقب جدی به دنبال خواهد داشت".

پوتین این هشدار ناتو را بی جواب نگذاشته و بلافاصله بیان داشت که: "اگر ناتو به رهبری آمریکا موشک هایی را در اوکراین مستقر کند که بتواند در عرض چند دقیقه مسکو را مورد حمله قرار دهد، روسیه مجبور می شود تلافی کند". او در مورد نگرانی غرب در باره قصد روسیه برای حمله به اوکراین گفت، "مسکو به همان اندازه نگران رزمایش ناتو در نزدیکی مرزهای خود است". او این بار در توضیح "خطوط قرمز" روسیه عنوان کرد که "اگر ناتو سیستم های موشکی پیشرفته در خاک کشور همسایه اش مستقر کند باید به این موضوع واکنش نشان داد". و ادامه داد که "وجود چنین تهدیداتی برای ما خط قرمز است. امیدواریم که به آن نرسند و عقل سلیم، در قبال کشورهایشان و جامعه جهانی در نهایت پیروز شود". او در همین سخنرانی با اشاره به یک سلاح مافوق صوت که روسیه آزمایش کرده است گفت: "اگر نوعی سامانه تهاجمی در خاک اوکراین مستقر شود، سرعت این موشک ها به سمت مسکو هفت تا ده دقیقه خواهد بود در صورتی که سلاح های مافوق صوت ما پنج دقیقه ای به اوکراین می رسند".

رهبران ناتو و رؤسای شماری از کشورهای عضو اتحادیه ی اروپا بر قریب الوقوع بودن جنگ تأکید می کنند و حتی از ماه ژانویه به عنوان زمان موعود تهاجم سخن می گویند. آنها هم اکنون در حال سنجش طرح های مختلف اقتصادی و نظامی برای مقابله با سناریوی اشغال اوکراین هستند. روسیه البته ادعای ناتو را رد می کند. ولی میدانیم زمانی که روسیه در سال ۲۰۱۴ جزیره کریمه را انضمام خاک روسیه کرد، اعلام نکرده بود که این جزیره را اشغال خواهد کرد. دردل همین کشمکشها بود که بالاخره روسیه پیش نویس یک توافقنامه پیشنهادی در مورد "تضمین های امنیتی" را انتشار داد. بر مبنای این پیش نویس "ناتو باید متعهد شود که به سمت شرق گسترش نیابد و اوکراین نباید به ناتو بپیوندد و همچنین کشورهایی که عضو ناتو هستند باید از انجام هرگونه فعالیت نظامی در خاک اوکراین، همچنین سایر کشورهای اروپای شرقی، در قفقاز جنوبی و در آسیای میانه خودداری کنند". پیش نویس قطعنامه میگوید که "جهت رسیدگی و حل مشکلات موجود، طرفین باید از مکانیسم مشاوره فوری "دو جانبه" یا "چند جانبه" از جمله "شورای ناتو- روسیه" استفاده کنند".

گفتگوی پنجاه دقیقه ای بایدن و پوتین فارغ از تعارفات دیپلماتیک چیز جدیدی که در روزهای قبل از جانب سخنگویان دو کشور اعلام شده بود، در بر نداشت. بایدن تأکید کرد که "ایالات متحده به شدت نگران حضور ده ها

هزار سرباز روس در مرز با اوکراین است و در صورت آغاز هر تهاجمی، آن ها آماده پاسخ بوده و تحریم های جدیدی علیه آن کشور اعلام میکند". پوتین بیان داشت که "روسیه به صراحت اعلام کرده که خواهان تعهد کتبی مبنی بر این است که اوکراین هرگز اجازه نخواهد داشت به ناتو بپیوندد و تجهیزات نظامی این ائتلاف در کشورهای شوروی سابق مستقر نخواهند شد". در نهایت آن دو توافق کردند کد در ماه ژوئن امسال در ژنو به گفتگو بنشینند. یکبار دیگر در روز بیست دوم دی نمایندگان کشورهای عضو ناتو با نمایندگان روسیه دیدار و گفتگو کردند. هر چند که پیش نویس پیشنهادی روسیه در دستور کار قرار نداشت، ولی نمایندگان ناتو با اعلام اینکه هر کشوری خودش تصمیم میگیرد که به چه پیمانی بپیوندد مخالفت خود را دستکم با یکی از مواد پیشنهادی روسیه اعلام کردند. البته پرسیدنی است که اگر اوکراین یک کشور مستقل است پس چگونه است که در همه گفتگوهای که انجام گرفته نماینده ای از اوکراین حضور ندارد و این آمریکا و یا ناتو و روسیه هستند که در مورد اوکراین معامله میکنند. هر چند که اعضاء ناتو در این جلسه خواستار "گفتگو برای کاهش تسلیحات و چگونگی استقرار و آرایش موشکها" شدند ولی تنها یک روز بعدتر توپخانه طرفین مجدداً به کار افتاد. معاون وزیر خارجه روسیه همزمان با رویارویی کشورش با غرب بر سر اوکراین هشدار داد که احتمال اعزام نظامیان روس به کوبا و ونزوئلا در صورت افزایش تنش با آمریکا منتفی نیست و همزمان دست به یک رزمایش جدید نظامی در مرزهای مشترک با اوکراین زد. مشاور امنیتی بایدن با اشاره به این رزمایش گفت "خطر یک تهاجم نظامی بالاست" و ادامه داد که "ما هم پیمانانمان برای هرگونه احتمالاتی آمادگی داریم. اگر ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به دنبال تشدید بحران نظامی است، برای این نیز آمادگی داریم".

واقعیت این است که قدرتهای امپریالیستی غرب و امپریالیستهای روسی و چینی در همه حوزهها رقابت را تشدید کرده اند. اگر این رقابتها قرار است برای آنان مناطق نفوذ جدیدی به ارمغان بیاورد ولی برای مردم جهان ره آوردی جز تشدید ناامنی و بر باد رفتن هستی شان نخواهد داشت. آنچه به خوبی آشکار است، جهان در تحت حاکمیت نظم ظالمانه سرمایه داری به امنیت و آسایش دست نخواهد یافت. امنیت برای مردم جهان تنها میتواند از مسیر مبارزه و به زیر کشیدن بربریت سرمایه داری تحقق پذیرد.



جهان امروز

نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران

۱۵ روز یک بار منتشر می شود!

زیر نظر هئیت تحریریه

سر دبیر: هلمت احمدیان

اگر مایلید جهان امروز را از طریق پست الکترونیکی دریافت دارید، آدرس خود را برای ما ارسال کنید.

halmatean@hotmail.com

- * جهان امروز تنها مطالبی که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد را چاپ می کند.
- * استفاده از مطالب جهان امروز با ذکر ماخذ آزاد است.
- * مسئولیت مطالب با امضا "جهان امروز" تحریریه نشریه است.
- * جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می رسد.
- * مطالب جهان امروز با برنامه "ورد فارسی" تایپ می شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی سه صفحه آ ۴ با سایز ۱۲ است.



اطلاعیه دبیرخانه

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

به مناسبت درگذشت

رفیق سعید سهرابی

بوجود آورده است. سعید گزینه و آرمانخواهش را نه در شعار، بلکه همواره در پراتیکی زنده و موجود دید و عمل کرد. او متواضع و کم ادعا، ولی انسانی بزرگ و قابل احترام بود.

بدون تردید فقدان رفیق سعید خسارتی برای جنبش چپ و کمونیستی است که آن را تنها با مبارزه برای آرمان هایی که او همواره برایشان جنگید می توان جبران کرد.

ما از صمیم قلب همدردی و تسلیت خود را به رفقا و همزمانش، بستگانش بویژه طلایه، مارال، لیلا، حمید و مهنوش که در این دوره سخت، همراه و پرستاری واقعی برای این عزیز بود اعلام می داریم

یاد سعید سهرابی گرمی پر رهرو باد!

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران
سه شنبه ۱۸ ژانویه ۲۰۲۲

با تاسف فراوان شب دوشنبه ۱۷ ژانویه ۲۰۲۲، قلب بزرگ سعید سهرابی رزمنده کمونیست که همواره برای کارگران و زحمتکشان، آزادی و برابری و علیه سلطه و استثمار تپیده بود، بعد از مدتها ستیز با بیماری سرطان در شهر استکهلم سوئد از حرکت باز ایستاد.

سعید سهرابی چهره آشنا و همیشه در صحنه مبارزات نیروهای چپ و کمونیست بود که هیچگاه صدای اعتراض، تلاش و مبارزه اش در پیکت ها، تظاهرات ها و گردهمایی ها در دفاع از مبارزات کارگران و مردم ستمدیده و به ستوه آمده ایران خاموش نگردید. سعید، سنت انقلابیگری فدائیان را در کوله پشتی مبارزاتی اش داشت و یکی از چهره های شاخص "شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست"، "شورای استکهلم" و "هسته اقلیت" بود. او باورمند به گزینه ای شورایی - کارگری و سوسیالیستی برای خلاصی از جهنمی بود که نظام سرمایه داری برای بشریت

پیام تسلیت شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست



اش باز نماند. اما متأسفانه بیماری امانش نداد و با درگذشت نابهنگامش جنبش کارگری و کمونیستی ایران یکی دیگر از فعالین و یاران پیگیر و مبارز خود را از دست داد.

ما در گذشت رفیق مسعود دقیقی اصل را به خانواده و دوستان و همزمان اش بویژه رفقای اتحاد فدائیان کمونیست از صمیم قلب تسلیت میگوئیم و خود را در غم و اندوه آنها شریک میدانیم.

یاد و خاطره رفیق مسعود، کارگر کمونیست و انقلابی گرمی باد!

۲۹ دسامبر ۲۰۲۱ برابر با ۸ دی ماه ۱۴۰۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

با کمال تاسف مطلع شدیم که روز ۲۷ دسامبر ۲۰۲۱ رفیق مسعود دقیقی اصل، یکی از

فعالین سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و رفیق فعال شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست، بعد از تحمل یک دوره بیماری در یکی از بیمارستان های شهر گوتنبرگ سوئد چشم از جهان فرو بست. رفیق مسعود از دوران نوجوانی به صفوف سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و در جریان انشعاب به سازمان اقلیت پیوست. وی بعد از مدتی فعالیت مخفی، دستگیر شد و زندان و شکنجه را تجربه کرد.

بعد از آزادی از زندان به مبارزه اش ادامه داد و پس از مدتی ناگزیر از کشور خارج شد. اومتعاقبا به مبارزه خود در سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ادامه داد و تا آخرین روزهای زندگی اش از انجام وظائف انقلابی

تأمین با
کمیته تشکیلات دلال کشور

حزب کمونیست ایران

hvefaalin@gmail.com

تلفن، فکس و پیامگیر

۰۰۹۶۴۷۷۰۰۶۰۳۶۵۳

۰۰۴۳۶۶۰۱۱۹۵۹۰۷

۰۰۴۶۷۳۷۱۵۴۴۱۸

۰۰۴۶۷۳۶۸۷۳۰۱۴

تأمین با کمیته تشکیلات
دلال کومه له (تکلیف)

takesh.komalah@gmail.com